

نظام‌های تولید دام در ایران و جهان

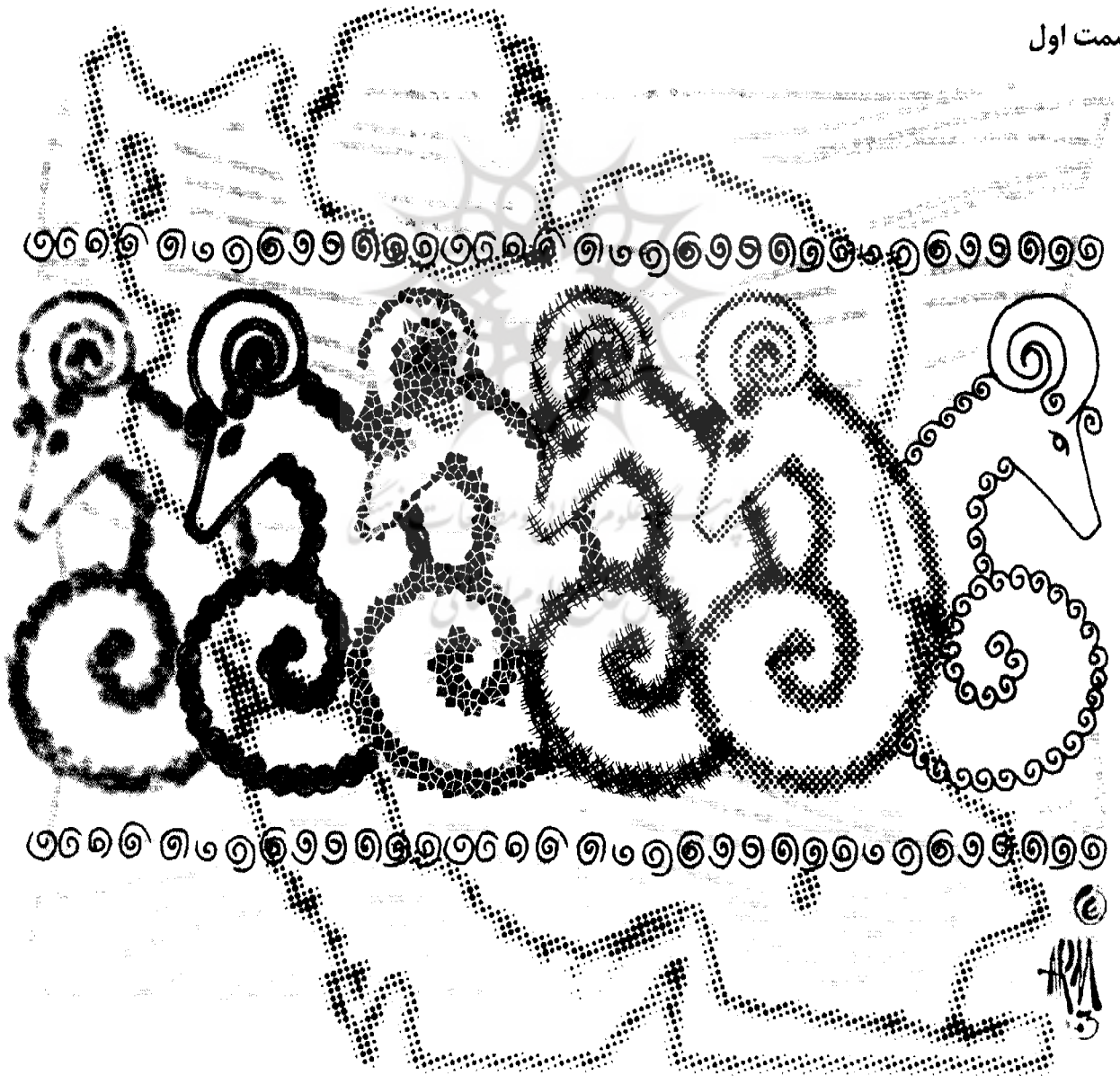
تاکنون بیشتر بحث‌های مجله جهاد در مورد نظام‌های بهره‌برداری حول محور بهره‌برداری‌های کشاورزی دور می‌زده است. در مقاله حاضر نویسندگان محترم، نظام‌های بهره‌برداری دامی را مورد توجه قرار داده و به علت احاطه به موضوع، مسئله را به نحوی جامع بررسی کرده و نظام‌های مختلف را-از طبیعی‌ترین آنها یعنی دامداری عشایری تا جدیدترین شیوه‌ها یعنی دامداری صنعتی-مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در قسمت اول این مقاله، پس از توضیحاتی درباره نظام، وضع نظام‌های دامداری ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

سر دبیر

● حسین شعبانعلی فمی^۱، اباذر اشتری مهرجردی^۲ و

ابوالقاسم شریف‌زاده^۳

قسمت اول



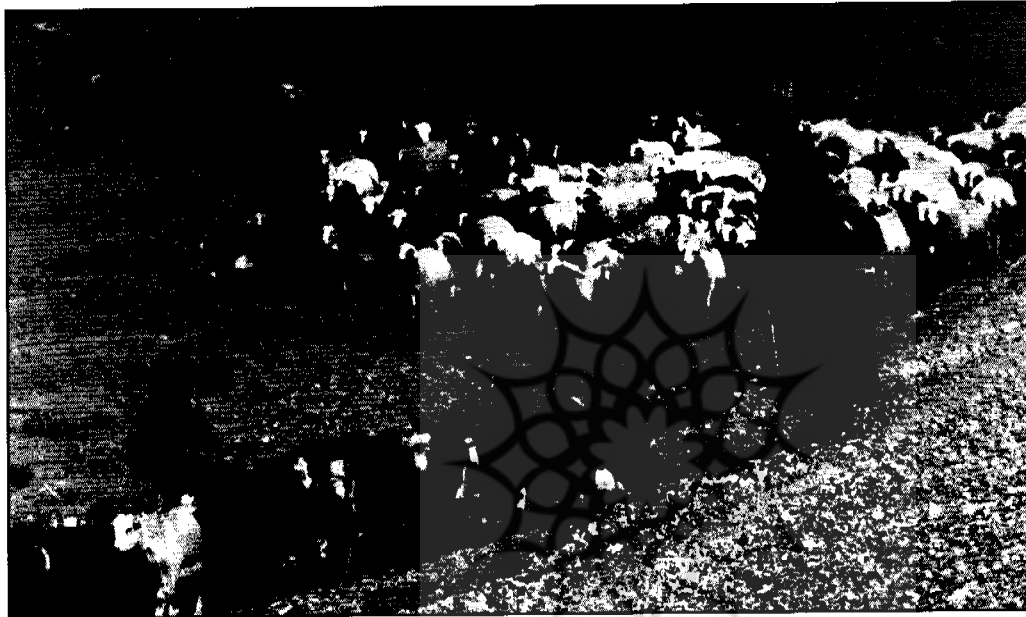
علاوه با پیش بینی رشد و تعداد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، به اراضی جدید وسیعی نیاز می باشد که باید به تولید محصولات زراعی اختصاص یابند. از اینرو روند تحولات به سوی استفاده بیشتر از بقایای تولیدات زراعی و محصولات فرعی صنایع کشاورزی برای تأمین خوراک دام و جایگزینی آن با علوفه های مرتعی است (Samsoucy, 1995).

کارشناسان مؤسسه تحقیقاتی سیاست جهانی غذا (IFPRI) ۵ برآورد می کنند که تقاضای فعلی ۱/۷ میلیارد تن غله و ۲۰۶ میلیون تن گوشت، تا سال ۲۰۲۰ ممکن است به ۲/۵-۲/۸ میلیارد تن غله و ۳۱۰-۲۷۵ میلیون تن گوشت برسد. گروهی از کارشناسان نیز افزایش رشد تقاضا برای گوشت در آسیا و آفریقا را تا سال ۲۰۲۰ تا ۳ برابر پیش بینی می کنند.

از آغاز زندگی بشر، مواد غذایی مهمترین و عمده ترین نیاز طبیعی انسان بوده و تأمین آن از جمله مسائلی است که در طول تاریخ همواره انسانها با آن دست به گریبان بوده اند. تا قبل از ۱۰ هزار سال پیش، فعالیت غالب انسان برای گذراندن زندگی و تأمین معاش، گردآوری مواد غذایی، شکار و صید (شیوه خوراک جویی^۴) بوده است. اما از آن به بعد انسان به تولید روی آورد و اینجاست که گیاهانی چون گندم و جو کشت و حیواناتی چون گوسفند و بز اهلی شده و مورد بهره برداری قرار گرفتند.

بعد از گذشت هزاران سال هنوز یکی از چالش های بزرگ جهان امروز حفاظت همزمان از منابع طبیعی و تولید غذای کافی برای تأمین

نیاز جمعیت انسانی رو به رشد است. پیش بینی می شود که جمعیت جهان تا سال ۲۰۲۰ به ۸ میلیارد نفر برسد. برآوردها نشان می دهند که درآمد سرانه حدود ۳ درصد در مناطق آمریکای لاتین و آفریقای جنوب صحرا و حدود ۶ درصد در آسیا رشد خواهد داشت. یکی دیگر از پدیده های مهم در دهه های اخیر، مهاجرت شدید جمعیت روستایی به مناطق شهری به ویژه در جهان در حال توسعه است. این روند



برآورد رشد منطقه ای تقاضا برای گوشت و غلات در طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۰۰ در جدول شماره (۱) منعکس شده است.

این در حالی است که نشانه های هشدار دهنده تخریب منابع تولیدی در سطح جهان مشاهده می شود که به اختصار به اهم آنها اشاره می شود.

۱- فرسایش زمین^۶: به نظر کارشناسان بین ۷۰۰ میلیون (Oldman et al, 1991) تا ۳ میلیارد هکتار زمین (Dregne et al, 1991) بواسطه فعالیتهای انسانی تخریب شده است.

۲- کمبود آب و جمعیت^۷: بر اساس بررسیها حدود ۲۲ کشور شدیداً از کمبود آب رنج می برند (کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب آب برای هر نفر در سال) و ۱۸ کشور به طرز نامطلوبی با کمبود آب مواجه اند (کمتر از ۲۰۰۰ متر مکعب آب برای هر نفر در سال (World Bank, 1992)). (بعلاوه بیشتر آب عرضه شده در سطح جهانی آلوده به عوامل بیماری زا و یا آلاینده های صنعتی می باشد.

۳- گرم شدن زمین^۸: درجه حرارت جهان حدود ۰/۳ تا ۰/۶ درجه سانتیگراد در طول قرن گذشته افزایش یافته و به همراه آن ۲۶ درصد گاز دی اکسید کربن و ۱۱۵ درصد میزان متان جو

باعث کاهش تعداد تولیدکنندگان و افزایش تعداد مصرف کنندگان شده و ترکیب تقاضای جهانی برای غذاهای پروتئینی به ویژه در جهان سوم را در پی خواهد داشت (DeHaan et al, 1997). البته علی رغم پیشرفت های چشمگیر انسان در زمینه تولید محصولات غذایی در سراسر جهان هنوز ۸۰۰ میلیون انسان از سوء تغذیه رنج می برند. به

منطقه	گوشت	غلات
جهان	۶۰-۹۳	۴۹-۶۵
کشورهای توسعه یافته	۱۷-۱۸	۱۹-۳۳
کشورهای در حال توسعه	۱۲۳-۲۰۶	۶۸-۹۱
آفریقای جنوب صحرا	۱۴۱-۱۹۴	۱۳۶-۱۶۱
آمریکای لاتین	۷۶-۱۰۵	۵۳-۷۷
آسیای غربی و آفریقای شمالی	۱۰۴-۱۵۷	۷۴-۱۰۰
سایر قسمتهای آسیا	۱۴۸-۲۵۵	۶۴-۸۵

منبع: IFPRI, 1995

افزایش یافته است (World Bank, 1992)، ضمناً کارشناسان پیش بینی می کنند که طی ۳۵ سال آینده درجه حرارت جهان حدود ۱/۸ درجه سانتیگراد افزایش می یابد (IPCC, 1990).

۴- از بین رفتن تنوع زیستی؛ حدود ۱۶۰ گونه پرنده و ۱۰۰ گونه پستاندار در طی ۳ قرن گذشته برای همیشه از بین رفته اند و این نرخ نابودی در حال افزایش است (World Bank, 1992). نرخ از بین رفتن سایر گونه های گیاهی و جانوری ممکن است بیشتر باشد. بر اساس برآورد UNDP پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۰ یک چهارم گونه های فعلی زمین از بین بروند (De Haan et al, 1995).

در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی در فعالیتهای دامداری از این جهت حائز اهمیت است که از عوامل مؤثر بر سلامت سیاره، نحوه نگهداری دام یا به عبارتی نحوه تولید شیر و گوشت است. پرورش دام یکی از عناصر اصلی کشاورزی در سطح جهان بوده و دام یکی از استفاده کنندگان اصلی منابع طبیعی بحساب می آید. بطور کلی دام نقش های ذیل را در زندگی انسان ایفا می کند:

۱- دامها حدود ۳/۳ میلیارد هکتار از چراگاهها و حدود یک چهارم از اراضی زیر کشت جهان را مورد استفاده قرار می دهند. بطور کلی دامها بیش از دو سوم از سطح اراضی تحت کشاورزی و یک سوم از سطح کل اراضی جهان را مورد استفاده قرار می دهند.

۲- دامها تأمین کننده نیروی کار زراعی در حداقل ۳۲۰ میلیون هکتار از اراضی و یا یک چهارم از کل اراضی زیر کشت دنیا می باشند. در صورت عدم بکارگیری دام در این کار یا باید از ابزارهای دستی استفاده

شود که مشکلات طاقت فرسایی را برای کشاورزان بویژه زنان ایجاد می کند و یا این کار توسط نیروی تراکتور انجام شود که آن نیز به نوبه خود هزینه های فراوانی را می طلبد که فراتر از وسع بسیاری از کشاورزان خرده پایی است که نظام تولیدی کاربری را هدایت می کنند.

۳- پرورش دام منبع تأمین کننده معاش حداقل ۲۰ میلیون خانواری است که به شیوه شبانی 'زندگی می کنند و همچنین منبع اصلی درآمد حداقل ۲۰۰ میلیون خانوار کشاورز خرده مالک^{۱۱} در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است (FAO, 1994).

۴- دامها تأمین کننده ماده مغذی گیاهی (کود) برای اراضی وسیع زراعی می باشند. نتایج یک برآورد نشان می دهد که در اراضی آبی منطقه حاره، کود حیوانی تأمین کننده مواد مغذی به ارزش حدود ۱/۴ میلیارد دلار در سال می باشد (Dewit, 1996).

۵- دامها یک سرمایه با ارزش و بیمه کننده زندگی صدها میلیون روستایی فقیر در مناطقی است که به نظامهای بانکی دسترسی ندارند.

البته اهمیت تولید دامی در دهه های آینده افزایش می یابد. در حالی که تقاضا برای گوشت و شیر ممکن است در کشورهای توسعه یافته ثابت مانده یا کاهش یابد، این تقاضا به دلیل بهبود درآمد و توسعه شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت. سطوح فعلی مصرف شیر و گوشت در کشورهای در حال توسعه تنها حدود یک پنجم سطح آن در کشورهای صنعتی است.

اهمیت مطالعه و بررسی نظامهای تولید دامی:

به رغم مباحث متفاوتی که بر له یا علیه دامداری به عمل آمده، به نظر می رسد که توجه به این بخش می تواند نقطه شروع مناسبی جهت پیشبرد برنامه های توسعه کشاورزی بوده و دستیابی به اهداف این برنامه ها را آسان نماید. به اعتقاد برخی از کارشناسان، پیچیدگی نظام تولید دام یکی از ویژگیهای بارز این نظام می باشد، که بهر حال فرصتهای مناسب و گسترده ای را جهت توسعه کشاورزی فراهم می کند. در بسیاری از کشورها مشکلات موجود جهت افزایش پایداری نظامهای تولید دامی به سرمایه گذاری، حمایت و خدمات رسانی ضعیف و ناکارآمد بخش عمومی برمی گردد. این مشکل در طراحی و اجرای ناقص برنامه ها و فقدان سیاستگذاری مناسب است، چرا که اهداف آنها به روشنی بیان نشده و ارزیابی لازم پیرامون پیامدهای احتمالی آن صورت نمی گیرد. (Steinfeld and Mack, 1995) از طرف

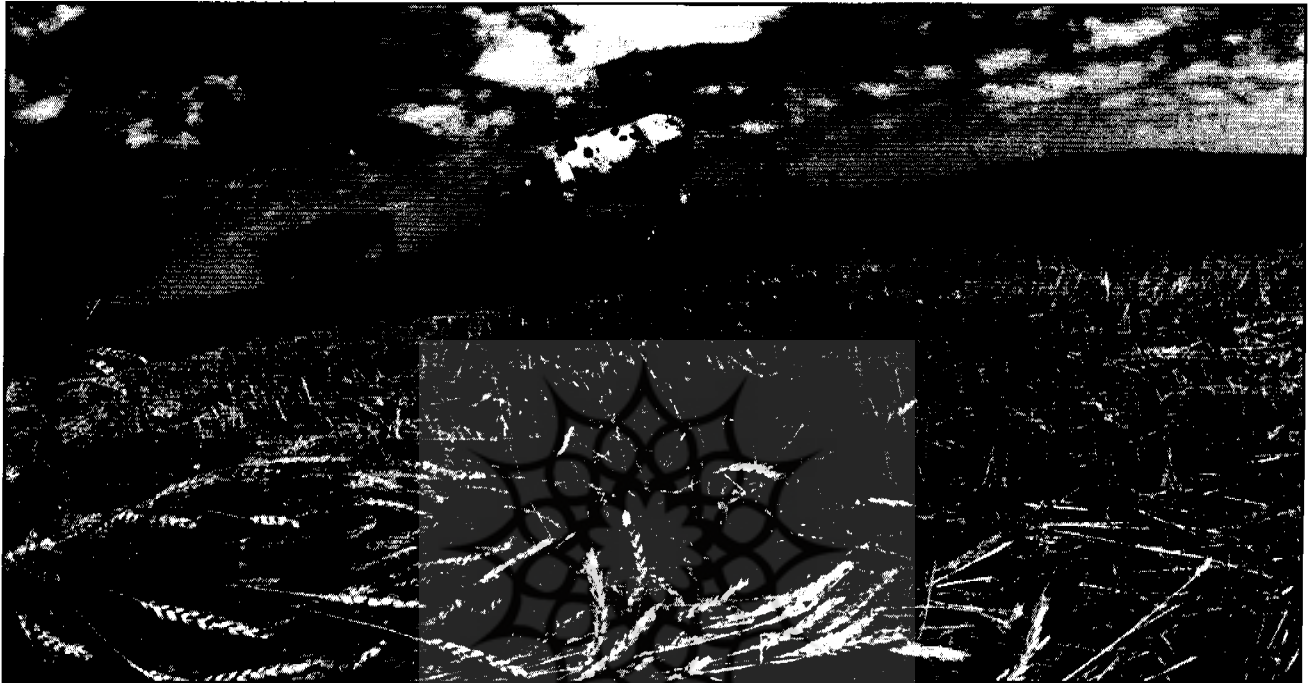
یکی از چالشهای اساسی برای تأمین تقاضای رو به افزایش محصولات دامی، حفاظت از منابع طبیعی است، زیرا در بسیاری از موارد، کشاورزی و تولید دامی بیشتر، باعث فرسایش و تخریب منابع طبیعی شده اند.



الف) اثرات مثبت دامداری:

۱- دامداری سهم مهمی در توسعه روستایی کشورهای جهان سوم ایفا می‌نماید. این بخش، تولیدکننده غذا، ارتقادهنده سطح تولیدات زراعی و فراهم‌کننده خدمات و کالاهای اقتصادی مازاد و درآمد نقدی است. تلفیق دامداری در زراعت باعث ایجاد اشتغال پایدار سالیانه^{۱۲} می‌شود. همچنین فروش تولیدات دامی سرمایه لازم را برای خرید نهاده‌های کشاورزی و بطور کلی هرگونه سرمایه‌گذاری در مزرعه فراهم می‌آورد. در اغلب اوقات دام به عنوان منبع اصلی تأمین سرمایه

دیگر این مشکل به عدم شناخت کافی و کامل از نظامهای تولید دامی برمی‌گردد، چرا که مطالعه این نوع نظامها از طرفی به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه کشاورزی جهت تأثیرگذاری بر فرآیندهای تولید غذا کمک می‌کند و از طرف دیگر باعث تعیین سهم دام در اقتصاد کشاورزی مناطق مختلف کشور شده و به ایجاد پایگاه داده‌های مربوط به شکل توزیع جغرافیایی دام از طریق نظامهای اطلاعات جغرافیایی کمک می‌کند. این نوع مطالعات به تعیین شاخصهایی جهت توصیف وضعیت تولید یک نظام، فشارهای وارده بر نظام و فرصتهایی برای



خانوارهای کشاورز بحساب می‌آید (Steinfeld and Mack, 1995).

۲- دامها باعث بهبود خاک و پوشش گیاهی و تنوع زیستی دامی و گیاهی و پراکنده کردن بذور شده و از طریق سم‌های خود و پخش کود در مراتع باعث بهبود ترکیب گونه‌های گیاهی می‌شوند و با سله‌شکنی خاک از طریق پایمال یا لگدکوب کردن، به جوانه‌زنی بذر در مرتع کمک می‌کنند.

۳- به اعتقاد برخی کارشناسان، فقدان چرا، باعث کاهش تنوع زیستی می‌شود. زیرا بوته‌ها و درختان، سایبانی ایجاد می‌کنند که مانع رسیدن نور و رطوبت به مناطق پایین‌تر شده و در نتیجه یک جامعه گیاهی بیش از حد کنترل شده را بوجود آورده که به بحرانهای طبیعی حساستر خواهند بود. بنابراین باید بدنال سیاستها، نهادها و فن‌آوریهایی بود که اثرات مثبت دامداری را افزایش و اثرات منفی آنرا بر محیط زیست کاهش بدهند (De Haan et al. 1995). تنها از این راه است که سوق دادن نظامهای تولید دامی بسوی پایداری بیشتر امکان‌پذیر خواهد بود.

ب) اثرات منفی دامداری:

دامداری در کنار اثرات مثبت بر توسعه کشاورزی دارای پیامدهای منفی نیز می‌باشد که این امر اشتیاق سازمانهای اهداکننده برای حمایت از پروژه‌های دامداری را کاهش داده است. برخی از این پیامدهای

مداخلات بهتر جهت توسعه این بخش بطور اخص و توسعه کشاورزی بطور اعم کمک می‌کند (Maki-Hokkonen, 1998).

اثرات مثبت و منفی تولید دام بر محیط زیست و منابع طبیعی

یکی از چالشهای اساسی برای تأمین تقاضای رو به افزایش محصولات دامی، حفاظت از منابع طبیعی است، زیرا در بسیاری از موارد، کشاورزی و تولید دامی بیشتر، باعث فرسایش و تخریب منابع طبیعی شده‌اند. تولیدات دامی ممکن است بطور ضمنی باعث افزایش تخریب یا فرسایش اراضی، افزایش آلودگی منابع آب، افزایش گازهای گلخانه‌ای و کاهش تنوع زیستی شوند. این در حالی است که مدیریت خوب تولیدات دامی نه تنها باعث تخریب منابع طبیعی نمی‌شود بلکه باعث افزایش کیفیت خاک، بهبود تنوع زیستی گیاهی و جانوری و جایگزین شدن منابع طبیعی غیر تجدیدشونده مانند سوختهای فسیلی می‌شود. از این رو سیاستها و تکنولوژیهای مورد استفاده در تولیدات دامی باید بطور همزمان، افزایش تولید و ملاحظات زیست محیطی را مدنظر داشته باشند. دامداری اثرات مثبت و منفی بر منابع طبیعی جهان داشته و دارد. بهر حال از طریق شناخت این اثرات است که می‌توان در جهت افزایش پایداری نظامهای تولید دامی موجود برنامه‌ریزی نمود. برخی از این اثرات عبارتند از:

منفی به شرح ذیل می باشد:

۱- در نظامهای تولیدی فشرده رایج در کشورهای صنعتی، دامداری یکی از منابع اصلی تولید آلودگی بحساب می آید.

۲- افزایش تعداد دامهای نشخوارکننده در کشورهای در حال توسعه با تخریب مراتع و فرسایش خاک رابطه مستقیم دارد.

۳- به نظر می رسد توسعه دامداری، بیشتر به نفع بخش غنی تر جامعه اعم از تولیدکننده و مصرف کننده باشد تا قشر آسیب پذیر.

۴- دامداری به نوعی یک بخش رقابت کننده با انسان در مصرف غلات می باشد (Steinfeld and Mack, 1995).

۵- چرای سنگین و طولانی منجر به نابودی یا ناپدید شدن گونه های خوش خوراک و جایگزینی گونه ها و بوته های خشبی شده است. این فرسایش گونه های گیاهی و به دنبال آن جانوری به حدی بوده است که بین ۱۰۰-۳۰ سال برای باززایی آن به زمان نیاز است (De Haan et al, 1995).

۶- مطالعات اولدمن و دیگران (Oldman et al, 1991) نشان می دهد که ۶۸۰ میلیون هکتار از اراضی مرتعی از سال ۱۹۴۵ تاکنون از بین رفته اند. دریگن و دیگران (Dregne et al., 1991) نیز ابراز می دارند که ۷۳ درصد از ۴/۵ میلیارد هکتار اراضی مرتعی جهان بطور ملایم تا شدید فرسایش یافته اند.

۷- در مناطق مرطوب نیز این شیوه دامداری باعث تشدید جنگل زدایی شده است.

۸- تعداد دام بیش از حد باعث کوبیدگی خاک و زمین و کاهش حاصلخیزی و نفوذپذیری زمین می شود که در نهایت، کاهش مواد ارگانیکی خاک و ظرفیت ذخیره آب را به دنبال دارد (Haan et al., 1995).

۹- از طرفی سهم حیوانات اهلی در تولید زباله های متقاضی اکسیژن

به اندازه ۷۹ میلیارد نفر انسان می باشد.

تعریف نظام بهره برداری

تعاریف بسیار زیادی از نظامهای بهره برداری ارائه گردیده است. در یک تعریف نظام بهره برداری عبارت است از سازمانی اقتصادی-اجتماعی مرکب از عناصر بهم پیوسته که با هویت یا مدیریت واحد و برخوردار از ویژگیهای نرم افزاری و سخت افزاری در ارتباط متقابل با شرایط اقتصادی-اجتماعی محیط خود، امکان تولید محصولات کشاورزی را فراهم می آورد. بر این اساس و با نگرشی نظام مند، عناصر نظام تولید دامی مورد بررسی قرار می گیرند. زیر بخش دام بر اساس مطالعات اولیه و با در نظر گرفتن معیارهایی چون منابع موجود، تکنولوژی مورد استفاده

بر خلاف نظامهای تولیدی رایج در کشورهای صنعتی، دامداری در کشورهای در حال توسعه، سایر نظامهای تولیدی رایج در کشورهای در حال توسعه، حجم زیادی از محصولات را تولید می کند و خدمات شامل خدمات مصرفی، پولی و غیره را تولید می کند و کود می دهد



برای تولید، هدف تولید (معیشتی-تجاری) قابل تقسیم بندی به نظامهای تولیدی خردتر است. باید توجه داشت که نظام تولید دامی بطور کلی یک زیر نظام از نظامهای کشاورزی ۱۳ می باشد (Steinfeld and Mack, 1995; Ruthenberg, 1980). پرورش دام به اشکال مختلفی صورت می گیرد که معمولاً به نظامهای تولید یا بوم نظامهای کشاورزی معروف می باشند. مهمترین عناصر تولیدی در یک نظام تولید دامی عبارتند از:

۱- دام؛

دام یک واحد پردازنده در نظام تولید دامی است و در واقع اصلی ترین عنصر این نظام را تشکیل می دهد.

۲- سرمایه؛

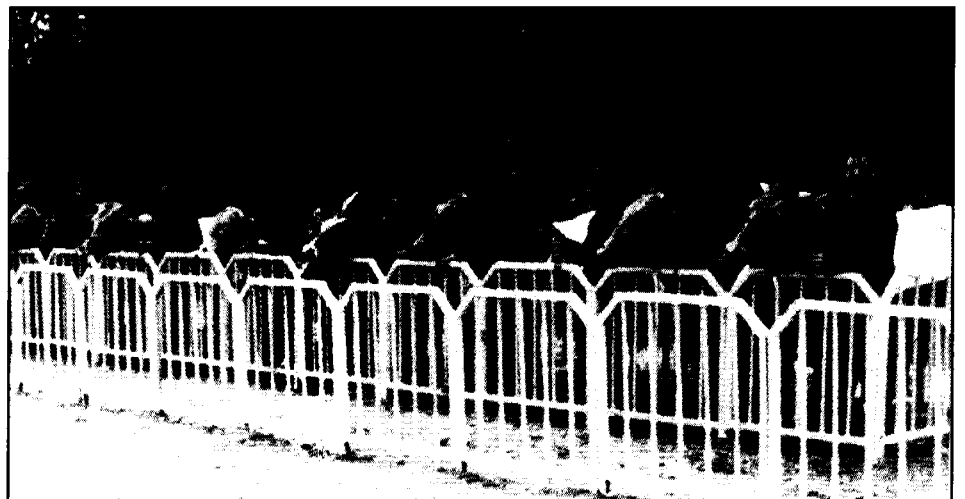
مالکیت دام، سرمایه اصلی در این نظام است، بطوری که می تواند به سرعت آزاد شده و در اختیار سایر اهداف نظام قرار گیرد.

۳- خوراک دام؛

غذا می تواند جایگزین زمین شده و در صورت دسترسی مناسب به آن، به توسعه نظامهای تولید دامی بدون زمین (صنعتی) کمک کند.

۴- زمین؛

از مهمترین منابع در همه نظامها بخصوص نظام مبتنی بر چرا زمین می باشد. افزایش تعداد دامها و مشکلات محلی ناشی از کشمکش بر سر نحوه بهره برداری از مراتع، مشکلات زیادی را بوجود آورده و فقدان انگیزه های ناشی از مالکیت مشخص، بر شدت تخریب منابع طبیعی می افزاید. در بسیاری از مناطق مالکیت اشتراکی زمین (مرتع) و مالکیت خصوصی دام مشکلاتی را



ایجاد کرده، که به آن، نمایش غم‌انگیز مالکیت اشتراکی^{۱۴} اطلاق می‌شود.

۵- آب؛

دسترسی به آب در همه نظامها بویژه نظامهای مبتنی بر چرادر مراتع، از مهمترین منابع بشمار می‌رود.

۶- کارگر یا نیروی انسانی؛

یکی دیگر از نیازهای مهم هر نظام تولید دامی، کارگر یا نیروی انسانی است. بطور کلی دامداری در مقایسه با زراعت، فعالیتی کاربر بوده و کمتر از تغییرات فصلی متأثر می‌شود و هزینه فرصت از دست رفته پایینی دارد. در بین این افراد، زنان در نظامهای دامداری نقشهای متنوع و مهمی را ایفاء می‌کنند (Scinfeld and Mack, 1995).

فرآیندهای تولیدی در نظام تولید دامی:

برای شناخت کامل هر نظام علاوه بر شناسایی عوامل یا عناصر تشکیل دهنده آن باید فرآیندهای مربوطه نیز شناخته شوند. در نظامهای تولید دامی فرآیندهای ذیل بیش از بقیه حائز اهمیت می‌باشند:

۱- چرخه‌های تولیدی:

دامداری فعالیتی پیچیده‌تر از زراعت است، زیرا چرخه‌های

تولیدی متفاوتی در آن وجود دارد. بعنوان مثال چرخه تولید

مثل برخی از حیوانات مانند طیور و خرگوش کوتاه و

برخی دیگر مانند گاو طولانی‌تر است. در نظامهای

تولیدی فشرده (صنعتی) تأثیرات فصلی از طریق

فراهم نمودن نور و درجه حرارات مصنوعی

بیشتر از نظام تولیدی گسترده (چرا) قابل کنترل

است. بر خلاف نظامهای تولیدی فشرده که

عمدتاً در کشورهای صنعتی هستند، سایر

نظامهای تولید دامی رایج در کشورهای در حال

توسعه حجم زیادی از محصولات، کالاها و یا

خدمات را تولید می‌کنند. این کالا و خدمات شامل

مواد غذایی مصرفی، پولی و یا نهاده‌هایی چون نیروی حمل

و نقل (حیوانی) و کود می‌باشد. در بسیاری از نظامهای تولید دامی

تلفیقی، بدلیل پیوند قوی بین دامداری و نظامهای زراعی، هرگونه

محدودیت توسعه دامداری بر توسعه کشاورزی اثر می‌گذارد. بسیاری

از کشاورزان خرده‌پای کشورهای جهان سوم محصولات گردشی یا

جریانی^{۱۶} دامداری مانند شیر، کود و نیروی کششی و حمل و نقل را به

محصولات نهایی^{۱۷} مانند گوشت و پوست ترجیح می‌دهند زیرا

فروش حیوان و روانه ساختنش به کشتارگاه، دامداران را از دسترسی به

محصولات گردشی محروم می‌سازد. محصولات گردشی یک درآمد

نقدی ثابتی ایجاد می‌کنند که معمولاً در برنامه‌های توسعه کمتر

برآورد شده یا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲- فرآیند بازاریابی، ذخیره‌سازی و تبدیل

با توجه به ماهیت فسادپذیری تولیدات دامی، باید برای ارزیابی و

فرآوری محصولات مازاد مصرف خانوارهای تولیدکننده، برنامه‌ریزی

دقیقی صورت گیرد. بعنوان مثال شیر محصولی است که نیاز به

تسهیلات حمل و نقل، ذخیره و فرآوری دارد. هر چه نظام تولیدی

فشرده‌تر می‌شود، وابستگی و ارتباط داخلی تولید دامی و تسهیلات

موجود در زنجیره بازار نیز افزایش می‌یابد.

۳- رابطه انسان و دام

انسان از قدیم‌الایام رابطه نزدیکی با حیوانات اهلی داشته است.

بطوری که بسیاری از جوامع، ارزشهای اجتماعی-فرهنگی خاصی

برای حیوانات خود قائل هستند.

۴- ریسک و خطر

یکی از عوامل مهم در تولید دامی ریسک است. نظامهای تولید دامی

گسترده شدیداً در معرض ریسک‌های مختلفی مانند خشکسالی و

بیماری هستند. در حالیکه در نظام کشاورزی تلفیقی، دام عاملی برای

کاهش ریسک در کل نظام بحساب می‌آید. هر چه نظام تولید دامی

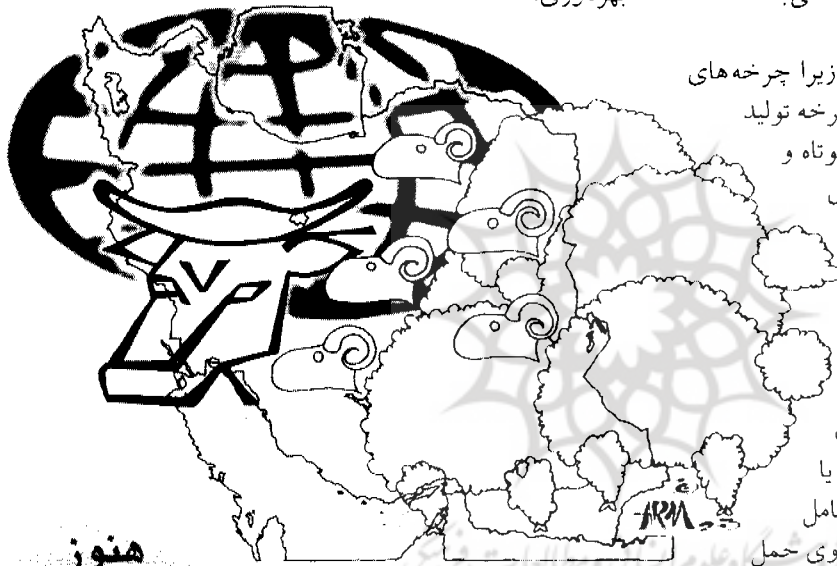
فشرده‌تر می‌شود از ریسکهای طبیعی کاسته و ریسکهای اقتصادی

همانند نوسانات قیمت و مالیاتها افزوده می‌شود. تولیدکنندگان

می‌توانند از طریق تنوع بخشیدن به تولید (پرورش انواع گونه‌ها یا

تلفیق زراعت و دامداری) و افزایش انعطاف‌پذیری و

بهره‌وری،



هنوز

طبقه‌بندی

جامعی از نظامهای تولید دامی در ایران

صورت نگرفته و این در حالی است که

ریسکها را کاهش دهند. بنابراین تجزیه و تحلیل ریسکهای مؤثر بر نظام

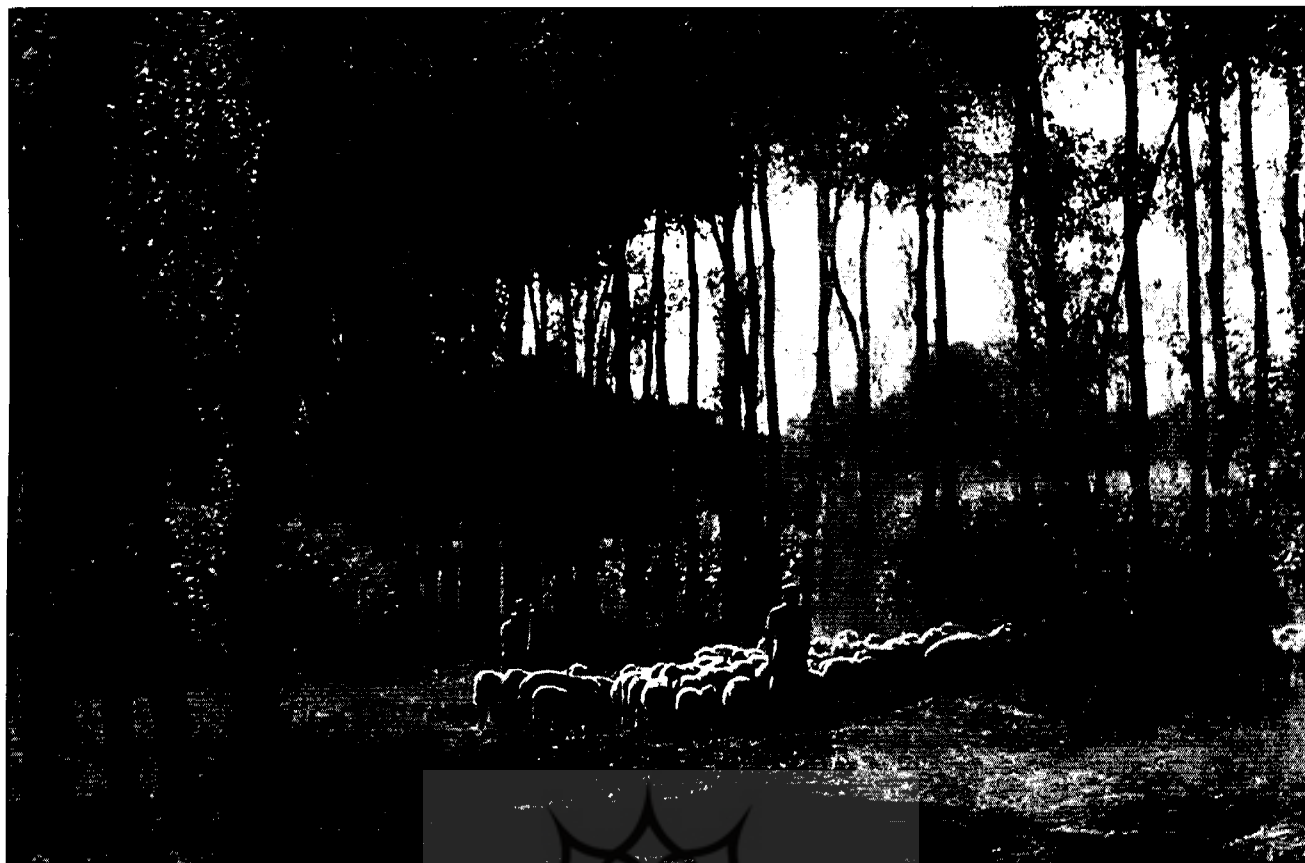
باید در طراحی راهبردهای توسعه دامداری مورد توجه قرار گیرد

(Savvides, 1994).

۵- مصرف

از دیدگاه مصرف نیز تولیدات دامی به دلیل ویژگی فسادپذیری باید

مورد بررسیهای خاص قرار گیرند، از قبیل اینکه چطور می‌توان آنها را



می کند:

الف: دامداری روستایی: شیوه‌ای که دامداران در روستا و یا محدوده آن استقرار داشته و بصورت سنتی و بر اساس شرایط منطقه، واحد دامداری خود را اداره می کنند.

ب: دامداری ساکن: شیوه‌ای که توقفگاه دام در تمام فصول سال ثابت و در محل یا حریم روستا بوده و از محدوده اقلیمی خود خارج نشده و نیاز علوفه‌ای خود را از زمینهای زراعی و مراتع حریم روستا تأمین می کند.

ج: دامداری نیمه ساکن: شیوه‌ای که با توجه به شرایط اقلیمی و زمانی برای تعلیف دامها در مدت محدودی از سال با جابجایی و تغییر ارتفاع همراه است.

د: دامداری صنعتی: شیوه‌ای که هدف از آن کسب شیر، گوشت یا حیوان داشتنی است که بر اساس یک سری اصول خاص و مربوط به هر نوع دام صورت می گیرد.

در همین رابطه طبقه‌بندی مشابهی صورت گرفته که در ذیل به آن پرداخته شده است (جهاد سازندگی سابق، ۱۳۷۶).

الف: دامداری روستایی که با نامهایی چون چکانه‌ای، ساکن و ثابت خوانده می‌شود. این نوع دامداری عبارت است از شیوه‌ای که در هر روستا، هر خانوار، صاحب تعداد مشخصی دام است و از

برای مدت بیشتری نگهداری نمود و متناسب با تقاضای مصرف‌کنندگان به بازار عرضه کرد. این امر ضرورت فراهم کردن تأسیسات زیربنایی چون سردخانه و... را مشخص می‌سازد. برپایی این تأسیسات در مناطق کوچک پراکنده و دور از بازارهای اصلی مصرف یا شهرهای بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار است. بطور کلی کشتش‌پذیری تقاضای محصولات دامی زیاد، ولی کشتش‌پذیری عرضه آنها بویژه در نظامهای تولیدی مبتنی بر زمین تحت مدیریت دامداران خرده‌پا کم است. با افزایش تقاضای فزاینده برای تولیدات دامی در کشورهای در حال توسعه، بخش عرضه نیز برخوردار از منافع و فرصتهای خاصی می‌شود. به دلیل ارزش غذایی بالای محصولات دامی از نظر تأمین پروتئین و سایر عناصر غذایی و ریزمغذی‌ها، توسعه دامداری و به دنبال آن سطح کمی و کیفی مصرف آنها در کشورهای در حال توسعه

کمک مؤثری به کاهش سوء تغذیه در این مناطق

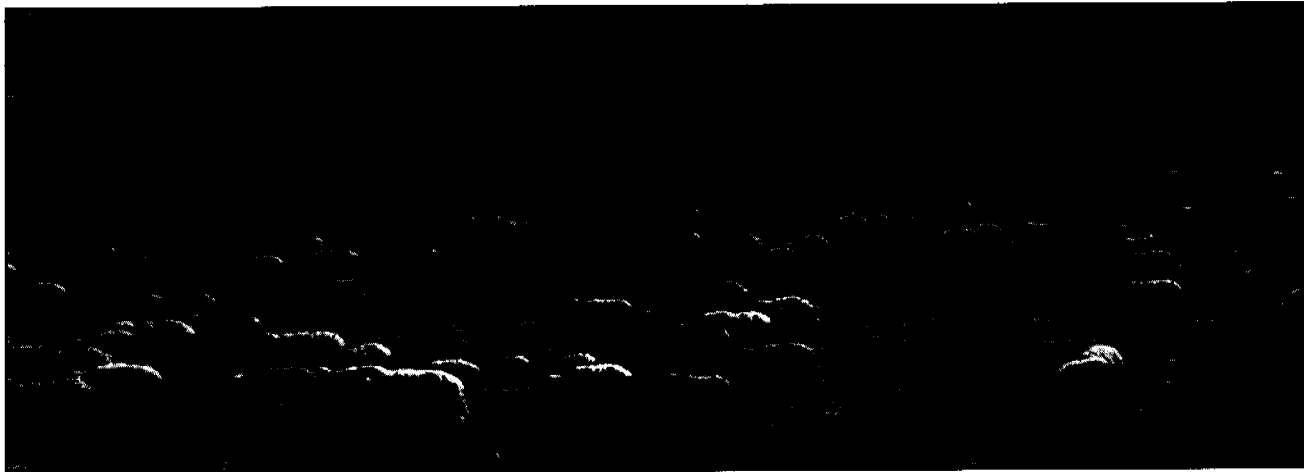
بنماید (Steingfield and Mack, 1995).

طبقه‌بندی نظامهای دامداران در ایران:

نظامهای تولید دامی در ایران از دیدگاه‌های مختلف و توسط افراد و سازمانهای گوناگونی طبقه‌بندی شده‌اند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود.

جهاد سازندگی سابق (۱۳۷۶) نظامهای دامداری را در ایران به صورت ذیل طبقه‌بندی





علوفه حاصل از زراعت، اراضی کشاورزی و مراتع حریم روستا استفاده می‌کند. میزان حرکت گله حداکثر تا ۸ ساعت در روز از روستا تجاوز نمی‌کند.

خود دارای انواعی به این شرح است:
۱- دامداری خرده پا بدون چوپان؛

در این شیوه برخی از خانواده‌های کشاورز دو تاسه رأس و یا تعداد بیشتر گوسفند و یا بز دارند که توسط اعضای خانواده نگهداری می‌شوند. منابع تأمین علوفه این واحد دامداری زمینهای آیش، خصیل گندم و جو، علوفه موجود در اراضی بلا صاحب، علوفه موجود در کنار رودخانه و نهرا و ... می‌باشد.

۲- دامداری خرده پا با چوپان؛
در این شیوه هر خانواده تنها یک یا چند رأس دام دارند که جهت جرای دام خود چوپانی را بکار می‌گیرند.

۳- دامداری نسبتاً بزرگ؛
در این شیوه مالکان یا کشاورزان دامدارانی هستند که یک گله نسبتاً

ب: دامداری نیمه کوچنده که با نامهایی چون نیمه کوچ‌رو و دامداری نیمه ساکن خوانده می‌شود. این نوع دامداری عبارت است از نظامی که در آن ترکیبی از دامداری و زراعت رواج داشته، بصورتی که در پائیز و زمستان از مراتع روستایی و علوفه اراضی کشاورزی در روستا (بصورت دستی) استفاده شده و در بهار و تابستان کوچ کرده و از مراتع دوردست استفاده می‌کنند. در این نظام معمولاً یک کوچ انجام می‌گیرد و آنهم از مناطق گرمسیر به مناطق سردسیر است، بدین صورت قشلاق ندارند. این گونه نظام بیشتر در مناطق دشتهای کوهپایه‌ای رواج دارد.

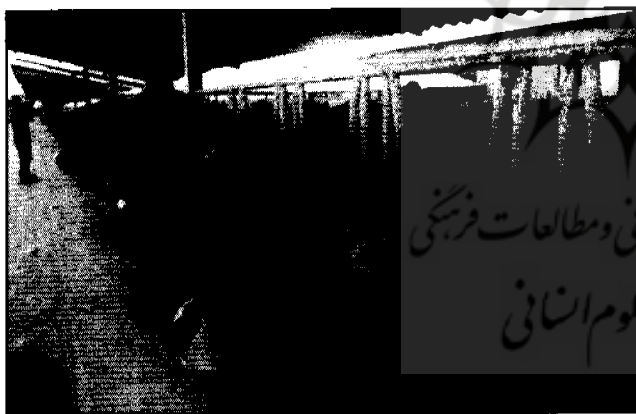
ج: دامداری عشایری یا کوچنده: قدیمی‌ترین شیوه دامداری در ایران دامداری در نظام عشایری می‌باشد. از مهمترین ویژگی این نظام استقرار خانواده‌ها با گله‌های خود در دو اقلیم آب و هوایی متفاوت در طول یک سال است که در برخی مواقع فاصله حرکتی آنها به بیش از ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد.

د: دامداری صنعتی: نظامی که در یک محیط کنترل شده با شیوه‌های منظم و علمی، بصورت متراکم و با هدف تولید شیر و گوشت برای بازار صورت می‌گیرد.

لازم به ذکر است که هیچ کدام از این دو طبقه بندی کامل نیست و تمام شیوه‌ها و نظامهای دامداری در ایران را بعلت وسعت و تنوع اکولوژیکی موجود در کشور تحت پوشش قرار نمی‌دهد. از طرف دیگر نزدیک به ۸۰ درصد روستاییان دامدار، از تنوع معیشتی بالایی برخوردار هستند. بعنوان مثال معیشت گروهی از آنها وابسته به فعالیتهای همانند زراعت، باغداری، زنبورداری، دامداری، صنایع دستی، پرورش کرم ابریشم و ... می‌باشد. اما هیچ کدام از طبقه‌بندی‌های مذکور این نوع نظام را که اصطلاحاً بهره‌برداری مخلوط^{۱۸} نامیده می‌شود دربر نمی‌گیرد.

برخی از محققان و کارشناسان به تناسب محیطه کاری خود و بر حسب نیاز، هر کدام از این نظامهای چهارگونه را مجدداً طبقه‌بندی نموده‌اند. شوکت فدایی و سندگل (۱۳۷۸) شیوه دامداری روستایی را به طبقات ذیل تقسیم می‌کنند:

الف: دامداری ثابت در روستاهای مناطق قشلاقی: این دامداری



بزرگ دارند و تمام ایام، دام خود را در روستاها نگهداری می‌کنند، تعلیف این دامها از طریق علوفه موجود در آیشها، خصیل گندم و جو، پس چر مزارع، یونجه، کاه و جو و ... صورت می‌گیرد. در این شیوه، دام در تمام طول سال از مراتع اطراف روستاها استفاده می‌کند.

ب: دامداری ثابت در مناطق کوهستانی؛

در مناطق کوهستانی، دامدارانی هستند که دام خود را تقریباً در تمام طول سال در روستا، مراتع و کشت‌زارهای مجاور روستا نگهداری می‌کنند. زمستانها دام در آغل و یا زاغه نگهداری شده و در بقیه سال در مراتع اطراف روستا یا کنار مزارع به چرا مشغول می‌باشد. طبقه‌بندی دیگر توسط سعید احمدی (۱۳۶۸) در رابطه با انواع دامداری عشایری کوچنده انجام شده که عشایر کوچنده را به ۳ طبقه تقسیم می‌کند.

الف: کوچ ارتفاعی

حرکت و جابجایی بین دو محل جغرافیایی دشت کوهستان بصورتی که بهار و تابستان را در ارتفاعات و پائیز و زمستان را در دشتها می گذرانند.

ب: کوچ افقی

حرکت در دشت صورت می گیرد، بصورتی که از مراتع طبیعی و پس چر اراضی غلات برای تغذیه دامها استفاده می شود.

ج: کوچ در اطراف آبادیها

دامدارانی که کوچ درون استانی دارند. بصورتی که تابستان را در ارتفاعات و پائیز و زمستان به آبادیهای خویش باز می گردند و بقیه سال را درون ساختمانهای خود می گذرانند. در ضمن مسافت میان قشلاق و بیلاق حدود یک روز می باشد.

طبقه بندی دیگری از عشایر کوچنده وجود دارد که در ذیل آورده شده است:

۱- کوچنده محض:

در این نظام بخشی از سال را افراد خانوارها با دامهای خود در یکی از مناطق گرم یا سرد، در چادر می گذرانند.

۲- نیمه اسکان یافته:

روستاییانی که ریشه عشایری دارند و در سالهای اخیر برای بر خورداری از مراتع آبا و اجدادی خود بخشی از سال را با کلیه افراد خانواده و دامها در سردسیر می گذرانند.

۳- رمه گردانی:

کوچندگانگی که بدون افراد خانوار، گله های خود را با چوپان برای بر خورداری از مراتع گرمسیری یا سردسیری در تمام یا بخشی از سال به چراگاه طبیعی

می برند.

۴- مالواره یا دهواره نشینی:

این گروه با اسکان خودجوش در مناطق سردسیر و گرمسیر از خدمات روستایی و عشایری برخوردار می شوند.

۵- کوچهای زبانی یا زبان کوچی:

گروهی از عشایر کوچنده که فاقد دام و مرتع هستند و ضمن عقد قرارداد "چاریک" با سرمایه داران غیرعشایری، گله های داشتی آنها را به مراتع گرم و سرد دیگران می برند و قبل از باخبر شدن صاحبان مراتع، به تغلیف دامهای خود می پردازند. درآمد آنها به این شیوه یک چهارم محصولات دامی است. (مانند ایل حسوند لرستان).

همانطور که اشاره شد هنوز طبقه بندی جامعی از نظامهای تولید دامی در ایران صورت نگرفته و این در حالی است که پیش نیاز تدوین یک برنامه جامع توسعه دامداری، شناخت دقیق، جامع و فراگیر از نظامهای دامداری است.

ادامه دارد

پی نوشتها:

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دوره دکتری، رشته ترویج کشاورزی دانشگاه تهران

4-Foraging

5-International Food Policy Research Institute

6-Land degradation

7-Water scarcity and Population

8-Global warming

9-Diminishing biodiversity

10-Pastoralism

11-Smallholder farmer families

12-Year sustainable employment

13-Farming systems

14-Tragedy of commons

15-Production cycles

16-Flow Products

17-End Products

18-Mixed Production system

